



# پدرام، محیط زیست و پیش‌گویی‌های پدر بزرگ!

• نیما رهسپار  
• تصویرگر: پدرام کازرونی

۲) پدر بزرگ به پدرام توضیح داد که در گذشته شاعران درباره‌ی طبیعت، مثلاً جویبارها، نغمه‌ی پرندگان، سبزی دشت و صحرا و موضوع‌هایی مثل آن‌ها شعر می‌سرودند. اما در روزگار ما چنین کاری سخت است. مثلاً پرندگان زیادی در شهرهای بزرگ باقی نمانده‌اند. با این آلودگی‌های زیست‌محیطی و آلودگی‌های صوتی شهرها، احتمالاً تنها پرندehای که بتواند دوام بیاورد کلاغ است! پرندehای که حتی خوش‌ذوق‌ترین شاعران هم به سختی می‌توانند درباره‌اش شعرهای زیبایی بسرایند!

۳) زندگی شهری و آپارتمان‌نشینی، بچه‌ها را از طبیعت دور کرده است؛ آن قدر که ممکن است تا چند نسل دیگر حتی روز سیزده‌به‌در، که روز گردش در طبیعت است، از بین برود؛ چون دیگر طبیعتی باقی نمی‌ماند که کسی بخواهد در چمن‌های آن سبزه‌هایش را گره بزند!

۴) انقراض نسل حیوانات شاید در آینده چندان زیاد شود که حتی تخم‌مرغ، شیر، ماست و پنیر هم در آزمایشگاه‌ها به‌طور مصنوعی تولید شوند! چون دیگر حیوانی وجود نخواهد داشت که انسان‌ها از آن

۱) پدرام به پدر بزرگ گفت انشایی که قرار است بنویسد، درباره‌ی محیط زیست شهرهای امروزی است. پدر بزرگ گفت بهتر است کمی موضوع انشایش را تغییر دهد و درباره‌ی محیط زیست شهرهای فردا بنویسد! چون اگر کسانی که برای حفظ محیط زیست مسئولیت دارند، بیش از این غفلت کنند، از محیط زیست و طبیعت چیزی بیش از خاطره برای نسل‌های آینده باقی نخواهد ماند!







پرنده و نه چرنده‌ای که در حیاط خانه‌ها بچرخد! من هم آن موقع مثل امروز تو، فکر کردم پدر بزرگم شوخی می‌کند، اما حالا تو در خانه‌های آپارتمانی، از چیزهایی که پدر بزرگم پیش‌بینی کرده بود که از بین می‌روند، اثری می‌بینی؟!»

برای تولید خوراک خود استفاده کنند. یا حتی ممکن است به خاطر کم‌شدن و از بین رفتن درختان میوه، قرص‌های میوه با عطر مایه‌هایی (اسانس‌هایی) مثل سیب، پرتقال، یا توت‌فرنگی در آزمایشگاه‌ها ساخته شوند و در مهمانی‌ها با این قرص‌ها از مهمانان پذیرایی شود!

۵) شاید در آینده‌ای نزدیک، مردم به موزه‌ها بروند، ولی نه برای دیدن بقایا و فسیل‌های دایناسورها، بلکه برای دیدن بقایا و فسیل‌های آهو، کبک، خرس، عقاب، مرغ دریایی و ماهی قزل‌آلا! آن موقع احتمالاً مردم با دیدن فیلم‌های باقی‌مانده از طبیعت نابودشده، با ناباوری از خودشان می‌پرسند: «آیا واقعا در گذشته بچه‌ها روی زمینی که چمن واقعی داشت، فوتبال بازی می‌کردند؟!»

۶) احتمالاً در آینده به خاطر وجود آلودگی‌های زیست‌محیطی فراوان، گل‌ها و گیاهان از بین می‌روند و بازار خرید و فروش گیاهان مصنوعی حساسی داغ می‌شود. آن زمان بچه‌ها نمی‌دانند چرا شاعر در زمان قدیم سروده است که: «گل همین پنج روز و شش باشد / وین گلستان همیشه خوش باشد!»\* در آن روزگار، چون گل‌ها مصنوعی‌اند، حتی از کتاب‌ها هم بیشتر عمر می‌کنند! گل‌ها دیگر نه لطافت دارند و نه بوی خوش. زنبورهای عسل و پروانه‌ها هم دیگر سراغ گل‌های مصنوعی نمی‌روند. احتمالاً نسل آن‌ها هم در دوری از گل و گیاهان، خیلی زود منقرض می‌شود.

۷) پدر بزرگ این‌ها را می‌گفت و پدرام که داشت تندتند می‌نوشت، سرش را بالا آورد و گفت: «پدر بزرگ، این چیزهایی که می‌گویید ممکن است واقعا اتفاق بیفتند یا فقط قرار است کسانی را که مسئول حفظ طبیعت هستند، بترسانند؟» پدر بزرگ گفت: «راستش وقتی من هم بچه بودم، پدر بزرگم می‌گفت اگر فکری برای حفظ محیط زیست نشود، یک روز چشم‌باز می‌کنیم و می‌بینیم بچه‌ها در خانه‌هایشان نه حوض دارند و نه ماهی، نه درخت خرما و نه گل شمعدانی، نه

\* این شعر از سعدی است و منظور از گلستان کتاب گلستان سعدی است.

